تواتر قرائات و قرآنیت قطعی آن‌ها در ذهن علماء؛ مبین معنای قرائت بالمجاز و متداول

- الف) محقق اردبیلی
- ب) علامه حلی
- هم معنا بودن تعبیر قرائت متداول با تواتر؛ شاهدی بر اعتقاد بی نظیر تشیّع در تواتر قرآن

الف) محقق اردبیلی

من دیروز عبارت محقق اردبیلی را گفتم. ما دیروز بخشی از آن را خواندیم. دنبالهٔ آن را که مرحوم صاحب مفتاح الکرامه نیاورده اند را میخواهم بخوانم. ببینید در ذهن مقدس اردبیلی قرآنیت قرآن به چه صورت است. مرحوم اردبیلی اینطور فرمودند:

> ومعلوم من وجوب القراءة بالعربية المنقولة تواترا ، عدم الاجزاء ، وعدم جواز الإخلال بها حرفا وحركة، بنائية وإعرابية وتشديدا ومدا واجبا ، وكذا تبديل الحروف وعدم إخراجها عن مخارجها لعدم صدق القرآن : فتبطل الصلاة مع الاكتفاء بها ، ومع عدم الاكتفاء أيضا إذا كانت كذلك عمدا ، ويكون مثله من الكلام الأجنبي مبطلا ، والا فتصح مع الإتيان بالصحيحوكأنه لا خلاف في السبعة، وكذا في الزيادة على العشرة ، واما الثلاثة التي بينهما فالظاهر عدم الاكتفاء ، للعلم بوجوب قراءة علم كونها قرآنا ، وهي غير معلومة : وما نقل انها متواترة غير ثابت[1]

وقتی میگویند قرائت واجب است، شما چراهای ندارید عربی بخوانید «**المنقولة تواترا**»؛ در نماز آن قرائتی را بخوانید که متواتر نقل شده. و الا نماز نخواندهاید؛ عدم الاجزاء؛ اگر متواتر را نخوانید نمازتان درست نیست. «**وعدم جواز الإخلال بها حرفا وحركة، بنائية وإعرابية وتشديدا ومدا واجبا**»؛ همه اینها واجب است. اگر نخوانید مجزی نیست. «**وكذا تبديل الحروف**»؛ اگر یک حرف را عوض کنید دیگر آن نیست. «**وعدم إخراجها عن مخارجها**»؛ یک حرف را از مخرجی که دارد ادا نکنید یک حرف قرآن را کم گذاشتهاید. «**لعدم صدق القرآن**»؛ اگر تغییری دادید که دیگر قرآن نخواندهاید. باید در نماز قرآن تلاوت کنید. «**فتبطل الصلاة مع الاكتفاء بها ، ومع عدم الاكتفاء أيضا إذا كانت كذلك عمدا**».

«**و كأنه لا خلاف في السبعة**»؛ آن چه که قرآن است و شما باید در آن تغییر ندهید؛ خلافی نیست که هفت قرائت قرآن است. «**وكذا في الزيادة على العشرة**»؛ یعنی خلافی نیست که بیش از ده تا هم قرآن نیست. فقط اشکال در این سه تا میماند. همان عبارتی است که قبلا خواندیم.«**واما الثلاثة التي بينهما فالظاهر عدم الاكتفاء، للعلم بوجوب قراءة علم كونها قرآنا**»؛ سه تا را بخوانیم یا نه؟ ما باید قرائتی را بخوانیم که یقین کنیم قرآن است. در آن هفت تا علم داریم، اما در این سه تا نداریم.«**وهي غير معلومة**»؛ در عشر علم نداریم که قرآن باشد.میگوییم شهید اول که گفتهاند عشر متواتر است. میفرمایند: «**وما نقل انها متواترة غير ثابت.والا يكفي شهادة مثل الشهيد: لاشتراط التواتر في القرآن الذي يجب ثبوته، بالعلم : والا يكفي في ثبوته، الظن**»؛ این عبارات را خواندهایم. من در میشوم. «**وكيف يقبل ذلك، مع انه لو نقل عنه صلى الله عليه وآله ذلك، لم يثبت**»؛ یعنی حتی اگر با روایت صحیح السند –علامه تصریح کردند- به ما بگویند که پیامبر خدا به این صورت خواندند مجاز نیستیم که بخوانیم. چون روایت است و روایت ظنی است. اما در قرآن، باید علم داشته باشیم که قرآن است. ما حرف شهید را چطور قبول کنیم درحالیکه یک نفر است؟! و حال آنکه حتی اگر به خود حضرت برسد برای ما کافی نیست.

«فقول المحقق الثاني والشهيد الثاني ـ انه يجزي ما فوق السبع إلى العشرة ، لشهادة الشهيد بالتواتر ، وهو كاف ، لعدالته واخباره بثبوته كنقل الإجماع ـ غير واضح»؛ یعنی حرف آن بزرگوار را قبول ندارید. یعنی لایجوز العشر.**«نعم يجوز له ذلك إذا كان ثابتا عنده بطريق علمي وهو واضح»**؛ بله، میگویند اگر برای خود آنها ثابت شود ما حرفی نداریم. آنها عالم هستند. ما که عالم نیستیم.

این عبارت را برای اینجا خواندم؛ **«بل يفهم من بعض كتب الأصول. ان تجويز قراءة ما ليس بمعلوم كونه قرآنا يقينا فسق»**؛ ببینید در دنباله در حرف محقق این را میگویند. میگویند ما چه میدانیم قرآن است یا نه. بله لاخلاف در سبع که قرآن است. اگر بیایید عشر را تجویز کنیم داریم چیزی که علم ندارید کلام خدا است را تجویز میکنیم که قرآن است. خود این تجویز فسق است. حال جلوتر میبرند. این جلوتر بردن جالب است.

«بل كفر»؛ کفر است. چرا؟ چیزی را که علم ندارید قرآن است، دارید به خدا نسبت میدهید که قرآن الهی است. از کجا میگویید؟!اینجا را ببینید. چیزی است که طلبگی ما با آن مانوس هستیم. **«فكل ما ليس بمعلوم انه يقينا قرآن، منفي كونه قرآنا يقينا»**؛ هر چه که علم ندارید یقینا قرآن است، یقینا قرآن نیست. همان عبارتی است که معروف است و میگفتیم «ما شک فی حجیته نقطع بعدم حجیته». این را در حجیت میگفتیم. مشکوک الحجیه مقطوع عدم الحجیه است. همین را در اینجا نیز میگویند. میگویند چون باید قطع به قرآنیت قرآن داشته باشیم، پس هر چه شک دارید که قرآن است یا نه، قطع دارید که قرآن نیست. چیزی که قطع دارید قرآن نیست، چطور میخواهید در نماز بخوانید؟!

---

[1]مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان ج ۲ ص۲۱۷

ب) علامه حلی

شاگرد: قطع داریم که قرآن نیست ای قطع داریم که جایز نیست؟

استاد: ببینید اگر بخواهیم این مطالب را بررسی کنیم خیلی حرف است. من فعلاً میخواهم فضای ذهنی را بگویم. منافقشه یک چیز است، اما اینکه مقدس اردبیلی که نمایندهٔ پایان قرن دهم هستند، چه میگویند مهم است. من که مدام قرن یازدهم را تکرار میکنم و میگویم مرحوم فیض چه کار کردهاند به همین دلیل است. ایشان علمی هستند که حاضر نمیشوند حتی در عشر همارهٔ شهید اول و محقق ثانی بشوند. میگویند ما باید قطع پیدا کنیم. تواتر باید مقطوع باشد. علامه حلی هم همینطور هستند. علامه میگویند سبع قطعی است. اما عشر نه. قرآن باید قطعی باشد اذا «لایجوز بالعشر ولو بالشاذ». علامه محکم این را میفرمایند. مقدس اردبیلی هم مثل علامه میفرمایند لایجوز. فضای ذهنی این بزرگواران چیست؟ اینجا است که میخواهیم برگردیم و ببینیم فضای ذهنی مرحوم شیخ چه بوده. شیخ که میفرمایند یجوز و لایجوز، خودشان از اینها چه قصدی دارند؟

هم معنا بودن تعبیر قرائت متداول با تواتر؛ شاهدی بر اعتقاد بی نظیر تشیّع در تواتر قرآن

ام در اینجا دو بحث داریم. یکی اینکه آیا قرآن باید متواتر باشد یا نه؟ یکی اینکه چه قرائتی مجاز است و چه قرائتی مجاز نیست. دو بحث خیلی خوب. دیدم عده‌ای می‌گویند اول کسی که تواتر را در قرائات مطرح کرده فخر رازی است. اصلاً قبل از فخر رازی کسی نمی گفته که قرآن متواتر است. اینها را او آورده است. آیا به این صورت است؟! با شواهدی که من جمع‌آوری کردم اصلاً به این صورت نیست. یعنی مرحوم شیخ الطائفه و اساتید ایشان –سید مرتضی، شیخ مفید- مبنایی که مقدس اردبیلی می‌گویند را پایه ریزی کردند. خیلی جالب است. یعنی در فقه شیعه یک دستگاهی مشاهده می‌شود که این فضا در اهلسنت نیست. وقتی شما کتب فقهی شیعه قبل از قرن یازدهم را می‌بینید، می‌بینید همه یک دست می‌گویند که قرآن باید متواتر باشد. اگر متواتر نباشد که ما اصلاً آن را قبول نداریم. مجاز نیست. مجازی که شیخ فرمود، پس تداول یعنی تواتر. شیخ فرمودند «اجمعوا علی جواز ما یتداوله القراء بینهم»، یعنی «یتواتر بینهم عن الشارع». لذا دنباله آن فرمودند «اجازوا بالمجاز الذی یجوز بین القراء». بین قراء مجاز چیست؟ آن چیزی که متواتر باشد.

اینها را از کجا می‌گویی‌م؟ من آدرس ها را می‌گویم یادداشت کنید. ببینید چقدر جالب است.